

نوشته: احمد اقتداری

به پسر امین اقتداری

که در این مطالعه همسفر و همکار و دستیارم بوده است

نشانه‌های

«پرسش‌های قیر و ناهید»

ایزدان کهن ایرانی

در نقش لوحه میترا بازیافته در معبد مهری «سالبورگ» فرانکفورت آلمان

در جنگل‌های سرسبز کوهستان تانوس در حومه شهر فرانکفورت آلمان غربی، شهرکی کوچک به نام سالبورگ^۱ وجود دارد که برای رسیدن بدان باید از ایستگاه مرکزی راه‌آهن فرانکفورت با ترن به شهرک زیبای بدوهمبورگ رفت و از آنجا با اتوبوس پست به سالبورگ فرود آمد. به فاصله چند صد گامی از تنها مهمانسرای زیبا و کوچک سالبورگ، در میان انبوه درختان جنگل و تقریباً بر سر تپه‌ئی، دژ و معبدی رومی باقی مانده است که تاریخ بنا و آبادانی آنرا به سالهای ۸۳-۲۶۶ میلادی تشخیص داده‌اند. این دژ و معبد برای دیدار همگان تعمیر شده و به صورت موزه‌ئی درآمده است. در میان اشیاء و آثاری که در کاوش و بازسازی این دژ بدست آمده است، نقشی از «میترا» منقور بر سنگ پیدا کرده‌اند

1— Saalburg

2— Bad-Homburg

که مانند بیشتر نقش‌های میترا بر گاوی سوار است و دشنه‌ئی در دست دارد. تفاوت این نقش با سایر نقوشی که تاکنون از میترا بدست آمده، در این است که مظاهر ظهور و جلوه‌های میترا که در اطراف نقش اصلی نقر شده‌اند با دیگر نقشهای میترا فرق دارند و چنانکه در شرح جزئیات این نقوش خواهیم نوشت آثار آئین‌های کهن ایرانی یعنی «ناهید پرستی» و «تیر پرستی» در این نقش‌ها بخوبی آشکار است. به‌علاوه در تالار موزه این دژ اشیاء و آثاری وجود دارد که نشانه‌های آئین ستایش «آناهیتا» بر نقوش آنها جلوه‌گر است.

* * *

«میترا» یا «مهر» یکی از خدایان هندو ایرانی پیش از زرتشت بود که پس از ظهور زرتشت، در آئین مزدیسنا یکی از ایزدان یا فرشتگان گردید، همچنانکه «ناهید=آناهیتا» و «تیر=عطارد» نیز خدایان دیگری بودند که نزد اقوام هندو ایرانی، بر روزگاری دراز پیش از زرتشت و پیش از مهر پرستیده میشدند و در آئین «مزدیسنا»ی زرتشتی بصورت ایزدان و فرشتگانی بجای ماندند و در یشت‌ها از این ایزدان نام رفته است و «مهر یشت» و «تیر یشت» و «آبان یشت» و «تشت یشت» در یشت‌های اوستا بدانها و نام آنها اختصاص دارند.

تا کنون مهر شناسان و پژوهندگان ایرانی بر این عقیده بوده‌اند که «آئین مهر پرستی» تنها از آغاز ظهور مسیح بوسیله جنگاوران رومی باروپا برده شد و در اروپا و آفریقا آثار و نشانه‌های مهر پرستی از دوران نخستین سده‌های مسیحی بجای مانده است. اما با بررسی پژوهشی در نقشهای میترا که از معبد مهری سالبورگ آلمان و در خرابه‌های رومی مکشوفه از کنار رودخانه

نیدرا (Nidda) یعنی فرانکفورت قدیم که هدن هایم (Hedderheim) نامیده میشود بدست آمده است ، و در موزه های ویسبادن^۳ و فرانکفورت^۴ و دژ سالبورگ نگهداری میشوند ، میتوان نشانه های «تیر - ناهید پرستی» یعنی آئین های بسیار کهن ایرانی را که قدمتی بغایت بیش از آئین «میترا پرستی» دارد ، در آنسوی مدیترانه و در میان جنگلهای اروپا باز شناخت .

* * *

علامه پورداود دانشمند اوستا شناس فقید عقیده دارد : «... رمیان در هر جا که با اشکانیان در نبرد بودند خواه در آسیای کوچک و خواه در بین النهرین ، دیدند که ایرانیان یعنی هموردان آنان را ایزدی است بنام میترا = مهر که همواره در پیکارها پشت و پناه رزم آوران است. این است که در برگشت از خاور زمین ستایش این خدای رستگاری و پیروزی را به میهن های خود بردند و چند تن از امپراتوران رم از پیروان سرسخت این ایزد ایرانی گردیدند.»^۵ دانشمندان اروپائی که راجع به نقوش میترا در اروپا پژوهش کرده اند، درباره صحابه میترا و ارتباط خورشید و میترا و نقش کلاغ و مار و گاو و چوپان و درخت که معمولا در اطراف نقش میترا دیده میشوند با میترا و همچنین در خصوص ارتباط ساتورن و ژوپیتز و زئوس خدایان یونانی و رمی بامیترا و ارتباط میترا با ماه و ستارگان و رابطه عقاید میترا پرستی در اروپای قدیم با عقاید نجومی پژوهشهایی انجام داده اند، اما هیچیک از

3— Hessischer Land Museum Wiesbaden, Germany .

4— Museum Für Vor-und Frühgeschichte zu Frankfurt Am Main .

۵- کتاب آئین میترا ، هارتن ورمازرن ، ترجمه نادر بزرگنژاد بفارسی ، کتابفروشی دهخدا ، تهران ، پیشگفتار به قلم ابراهیم پورداود . صفحه ۶ .

ایشان ارتباط این نقوش را با نمادهای «ناهید پرستی» و پرستش آب و آناهیتا مورد پژوهش قرار نداده‌اند.

اکنون نقش‌های میترا در سالبورگ و فرانکفورت را با ذکر جزئیات نقش‌ها شرح داده و تفاوت این نقوش را با سایر نقش‌های میترا شناخته و سپس نشانه‌های نمادی پرستش تیر و ناهید را در آنها مطالعه میکنیم:

من روز بیست و ششم مرداد ماه ۱۳۵۴ برابر با هفدهم اگست ۱۹۷۵ به سالبورگ رفتم و از دژ قدیمی رومی آن که بر سر در ورودی آن نوشته شده است: «Romer Kastell Saalburg 83-266»

دیدن کردم و از آنچه مربوط به «مهر» و «تیر» و «ناهید» بود عکس گرفتم و بهتر است به ترتیبی که من این دژ و موزه و معبد و همچنین موزه آثار پیش از تاریخ شهر فرانکفورت را دیدم و عکس گرفتم بازگو کنم و سپس به شرح نشانه‌های «ناهید پرستی» در آن نقوش بپردازم:

در دژ رومی سالبورگ چند اطاق و تالار وجود دارد که برخی بر پایه‌ها و شالوده‌های رومی بازسازی و تعمیر شده‌اند و برخی با طرحی از معماری رومی دژ از نو ساخته شده‌اند. در میان این تالارها، اطاقی بزرگ به سالن موزه دژ اختصاص دارد که درمخل دژ و به سمت راست ورودی آن واقع است و در آن اشیاء مکشوفه از دژ و حول وحوش آن نگهداری میشود و در انتهای دژ، به سمت چپ محوطه سرپوشیده تالار مانندی است که به سبك معابد مهری قدیم کف آن را بگودی انداخته‌اند و سرتاسر ضلع غربی آن باز و بدون در و دیوار است و آفتاب پسین گاهی بدرون آن میتابد، در شمال و جنوب این تالار دو لوحه بزرگ که یکی اصلی و دیگری گویا رونویس از لوح دیگری باشد نصب است، لوحه اصلی از

سنگ يك پارچه بابعاد تقریبی ۸۰×۷۰ سانتیمتر و برنگ سفید خاکستری بوده و مکشوفه از معبد دژ است و در ضلع جنوبی تالار بر وسط دیوار کار گذاشته اند و شرح نقوش آن بدینقرار است :

۱- نقش اصلی که در وسط قرار دارد میترا را که بر پشت گاو نری زانو زده و با دستی خنجر آخته بگردن گاو فرو میکند و با دستی منخرین گاو خروشان را گرفته است نشان میدهد، شنلی پرچین بر دوش دارد که بصورت بالی تجسم یافته و بر آن يك کبوتر یا قمری یا بلدرچین نشسته است و دست بندی بر دست دارد : تصویر ۱



تصویر ۱

لوحة میترا کشته گاو در دژ رومی سالبورگ آلمان

۲- در سمت چپ لوحه بر بالای سر پسر جوانی که کلاه میترا بر سر و مشعلی بمر دو دست دارد (سرمشعل رو به بالا است) از میان

شاخه‌ئی که هفت گل پنج برگ شکفته بر آن است ماری با گردن افراشته درحالی که رو به میترا نگاه میکند از درون گلها سر برآورده است : تصویر ۱ و ۲



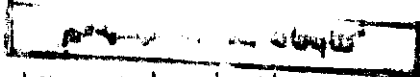
تصویر ۲

ماری که از درون گل هفت شاخه سر بر آورده است
لوحة میترا در دژ رومی سالیورگه آلمان

کتابخانه مدرسه فقهیه قم

۳- در زیر شکم گاو شیری آرام نشسته و يك دست و سم گاو بر پشت شیر و سنگینی تنه و شکم گاو بر سر شیر تکیه دارد: تصویر ۱
۴- شیر به ظرفی نزدیک است و نگاه میکند آنچنان که گوئی پاسبان آنست و از جانب دیگر ماری کوچک و چابك سر بدرون ظرف میبرد گوئی قصد آن دارد که از آن ظرف بنوشد و یا زهر خود در آن فرو ریزد و این ظرف در این نقش دارای دو دسته و بر آن نقش و نگار برجسته است. تصویر ۱ و ۴

۵- درکنار دم گاو و در سمت راست لوحه پسری جوان با کلاه میترا با لباسی چین دار ایستاده و مشعلی فرو هشته به طرف زمین در دست دارد. تصویر ۱



۶- دم گاو که علم شده است در انتهای بطور سه شاخه نشان داده شده است: تصویر ۱

۷- سگی در سمت چپ لوحه و درکنار پسرجوانی که مشعل رو بآسمان دارد، از جلو بگردن گاو پنجه زده و قصد عبور از گردن گاو و حمله به میترا یا بدشنه او دارد: تصویر ۱ و ۳

۸- در بالای لوحه نقش اصلی میترا سه ردیف نقش وجود دارد که بترتیب از بالا به پائین در ردیف اول و آخرین ردیف فوقانی از سمت راست نقش ها عبارتند از صورت برجسته زنی با يك شاخك



تصویر ۳

پسری که مشعل بدست دارد
لوحه میترا در دژ رومی سالبورگ آلمان

در يك دائرهٔ مقعر - يك درخت کاج یا نارون با تنه قطور که برگهای آن بصورت خوشه یا گل شکفته نخل است - زنی بالدار دست مردی را گرفته و بر ارا به ای که چرخ دائره شکل آن با علامت چلیپا مانند در وسط نمایان است و دو اسب آنرا میکشند و از کوهی بالامیبرند سوارند - يك درخت دیگر کاج یا نارون - نقش مردی یا زنی که يك شاخک دارد و در دائره ای مقعر حك شده است : تصویر ۵

۹- ردیف دوم از چپ به راست: نقش يك زن با گیسوی تافتهٔ مجعد - درختی خوشه مانند که از نوک آن زنی از میان برگها بیرون میآید و نیم تنه اش بیرون است مانند گلی که میشکند - يك درخت کاج یا نارون خوشه ثی شکل - انسانی با کلاه میترا و لباسی چین دار



تصویر ۶

درخت خوشه مانند و تولد میترا و دروازه برج نجومی
لوحة میترا در دژ رومی سالبورگ آلمان

که دو پای گاوی را بردوش گرفته و گاو دو دست بر زمین گذاشته است - يك درخت خوشه ئی شکل - زنی با کلاه و لباس میترا و شنل چین دار که بر سر مردی برهنه تاج میگذارد - درخت خوشه ئی شکل - مردی برهنه که ماری از دو سو برگردن و سینه او آویخته است و دست زنی برهنه با باسن زنانه که بر زمین زانو زده است را در دست گرفته است. تصویر ۵ و ۶

۱۰ - در ردیف سوم نقش ها را در يك هلالی و دو مثلث در آورده اند در هريك از دو مثلث که در طرفین فوقانی هلالی واقع شده نقش يك زن را نموده اند که از کوهی بالا می رود و در پشت سر هريك از زن ها به فاصله ئی مردی یا زنی که کمانی در دست دارد دوان است - در هلالی که درست بالای سر نقش اصلی میترا واقع است دوازده نقش جداگانه هر کدام محاط در يك چهار ضلعی دیده میشود که نقش دو ماهی - زنی طاق باز خوابیده - بز نر کوهی - عقرب - دو پیکر - سوار کماندار - بره یا میش - خوک - حلزون - بنخوبی دیده میشود. تصویر ۵ و ۶ .

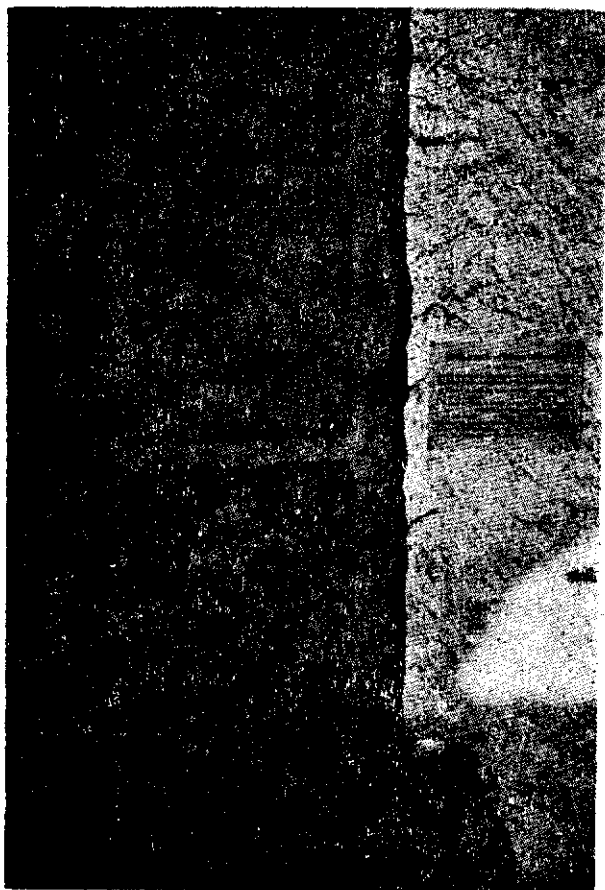
۱۱ - غیر از این نقوش، بر طرفین راست و چپ لوحه در هر طرف شش نقش انسان بصورت طفل عریان - زن خوابیده - مردی که کمانی در دست دارد - مردی ریشو که ماری در دست دارد - مردی که در برابر کوهستان نیایش میکند - مرد و زن در قاب های مربع شکل یا دایره شکل در آورده اند: تصویر ۵

اما در لوحه دیگری که برنگ آجری مایل به قهوه ای بوده و در قرینه لوحه اول در ضلع شمالی تالار جاسازی شده است، نقش ها تقریباً همان نقوش لوحه نخستین است با این تفاوت که ظرافت نقش ها کمتر و ناهم آهنگ تر، ظرف ساده و بدون دسته و با نقش سر شیر که ظرافتی ندارد در کنار پای خمیده گاو و در جلوی او قرار

دارد، ماری بدهیولا و بلند سرتاسر زیر شکم گاو را با فاصله ای گرفته و با سری زمخت و نازیبا سر بر دهانه ظرف گذاشته است. در اطراف این لوحه بجای نقش دوازده مرد و زن که در لوحه اول بود، نقش میترا و گاو به تنهائی، گاو، و یا میترا را بطور برجسته درآورده اند، که گاو مشغول چریدن است - یا میترا از میان درختی خوشه مانند با کلاه میترا سر در می آورد و در برابر او سرزنی است که زلف و یک شاخک دارد - میترا گاو بردوش کشیده - میترا سوار بر گاو است - زنی بر ارا به ای چهار اسب سوار است و زنی با بال در پشت سر او است و اسبها بکوه صعود میکنند - زنی با کلاه میترا و بال کمانی را میکشد و ابر و آسمان در بالای کمان است - مردی که شاخی بر سر دارد و در شیپوری میدمد - زن و مردی جوان که خوشه ئی را نیایش میکنند - مردی که کاردی در دست دارد کره ای را میکشد و از پشت کوهی بر آمده است - مردی سهم یا فلش یا تیر (↑) را در دست دارد که بر بندی آویخته و بدیگری میدهد - زنی به هیئت خوابیده بر روی کوهها که دست در زیر سردارد و ماری بر شانه او است - نقش میترا با کلاه و پیش بند که زانو زده و قطعه سنگ بزرگی بر شانه چپ خود گرفته است و دایره های مجوف که بر آن سنگ نقش شده است.

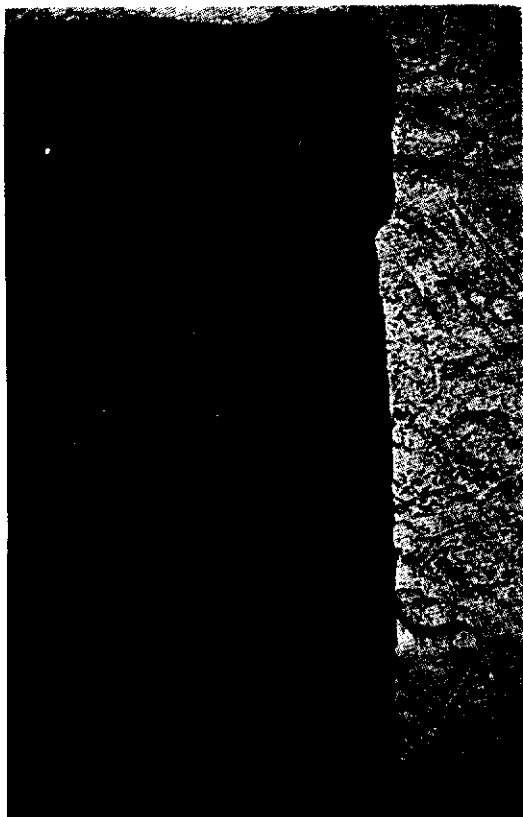
در این لوحه دم گاو بصورت خوشه است و هفت شاخه دارد و مانند لوحه اول سه شاخه نیست: تصویر های ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰.

قبل از آنکه به شرح جزئیات بقیه نقوش میترا در سالبورگ و فرانکفورت و ویسبادن پردازیم مناسب می بینیم که فرق عمده نقش معبد مهری دژ سالبورگ و فرانکفورت را با سایر نقوش شناخته شده در اروپا بطور خلاصه آنهم در نقش های معروف بازشناسانیم: در نقش «میترا، کشنده گاو - واتیکان» دم گاو سه شاخه و یا بصورت



تصویر ۹
میتراکه گاودا بردوش گرفته
لوحة میترا دژ دومی
سالیبورگ آلمان

خوشه هفت شاخه نیست — مار مانند سگ بر بدن گاو میلفزد تا بدشنه میترا برسد — مرغ کبوتر یا بلدرچین بر شغل میترا نیست. در نقش «میترا، کشنده گاو — موزه بریتانیا در لندن» — مرغ کبوتر یا بلدرچین ظاهراً وجود ندارد و مار و شیر و ظرف نیست، قبل از آنکه سگ به دشنه میترا برسد گاو کشته شده و جان داده است — در نقش «میترا، کشنده گاو، رم موزه کاپیتولینو» میترا بر پشت گاو زانو زده و با آسمان نگاه میکند و قصد کشتن گاو ندارد و دشنه ای هم ندارد.



تصویر ۱۰
زنی بایک شاخ و گیسو بر
توله میترا از دیون درخت
نقش می‌کند. لوح میترا دژ
رومی سالبورگ آلمان

از مرغ و مار و شیر و ظرف و سگ هم ظاهراً نشانی نیست - در نقش دیگر «میترا، کشنده گاو در موزه بریتانیا - لندن» نشانی از مرغ بر شئل میترا نیست - در نقش «میترا، کشنده گاو، موزه لوور پاریس» میترا در دامنه کوهی گاو را میکشد، مار بشکل مارآبی در زیر دست و پای گاو دراز کشیده و هیبتی ندارد - ارا به چهار اسبه و سه درخت بر فراز قله کوهسار نقش شده‌اند و میترا هاله‌ای از نور بر سر دارد و بر ارا به سوار است و در این نقش نشانی از مرغ و شیر و ظرف نیست - در نقش میترا باز یافته در «مریدا» و در «مدنا» در اسپانیا میترا

بشکل مردی جوان که ماری قطور بر تمامی بدن او پیچیده نشان داده شده است و گفته اند در این دو مجسمه میترا بشکل خدای زمان یعنی «زروان» ساخته شده است که سرشیر در میان سینه دارد (عقیده من آنست که این دو مجسمه مربوط به خدای تیر «عطارد» یا بهرام است نه میترا) - در نقش میترا بر لوح برنجی بوداپست مرغی که درست شکل کبوتر دارد بر شغل بال مانند میترا نشسته و دم گاو مانند نقش سالبورگ سه شاخه است و بجای مار عقربی در زیر شکم گاو است و بطرف گاو حرکت میکند و در نقش مرمرین برجسته بازیافته در رومانی زنی باگیسوان فرو هشته و مردی باموی مجعد و هاله ای از نور از پشت کوهها سر بر آورده و یک دست به نیایش بلند کرده و بر اعمال میترا و صحابه او می نگرند و نشانی از مرغ و شیر و سگ نیست ولی ماری و ظرف کوچکی که در آن میوه چیده شده است در پائین نقش دیده میشوند . و در نقش برجسته باز یافته در «دورا ارپوس» (سوریه) و در نقش برجسته میترا بازیافته از مهر به کلیسای «سنت - پریسک» بازیافته از رم نیز ظاهراً درخت و شیر و ظرف و مرغ و سگ دیده نمیشوند. پس آنچه در نقوش معبد میترا در دژ رومی سالبورگ ممتاز است و بادیگر نقشهای میترا تفاوت دارد عبارتند از:

۱- نقش مرغ یا کبوتر یا بلدرچین بر شغل بال مانند میترا.

۲- نقش سه درخت خوشه مانند .

۳- تولد میترا یا ظهور او از میان درخت خوشه مانند .

۴- حرکت و نگاه مار که به حمایت از گاو برخاسته است .

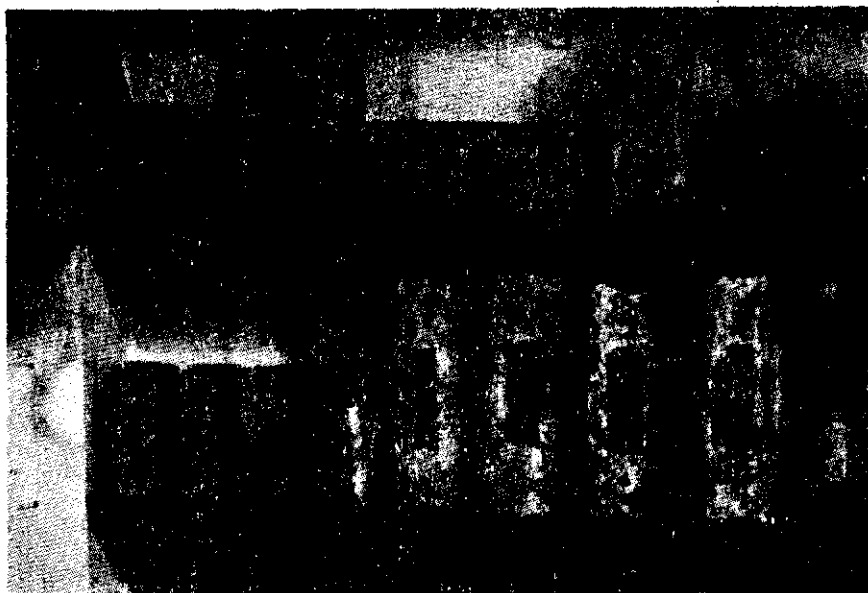
۵- سکون و آرامش شیر که گاو براو استوار است .

۶- حرکت و دفاع سگ از گاو .

۷- شاخه ئی که هفت گل پنج برگ از آن روئیده است .

۸- دم سه شاخه گاو و دم خوشه مانند گاو .

- ۹- نقوش دوازده گانه به نشانه دوازده ماه قدیم .
 ۱۰- علامت + در چرخ ارا به چهار اسب که میترا با آن بکوه صعود میکند و علامت چهار جهت جغرافیائی است .
 ۱۱- چهار اسب که علامت چهار فصل یا چهار پاره سال است و ارا به میترا را به کوه می کشند .

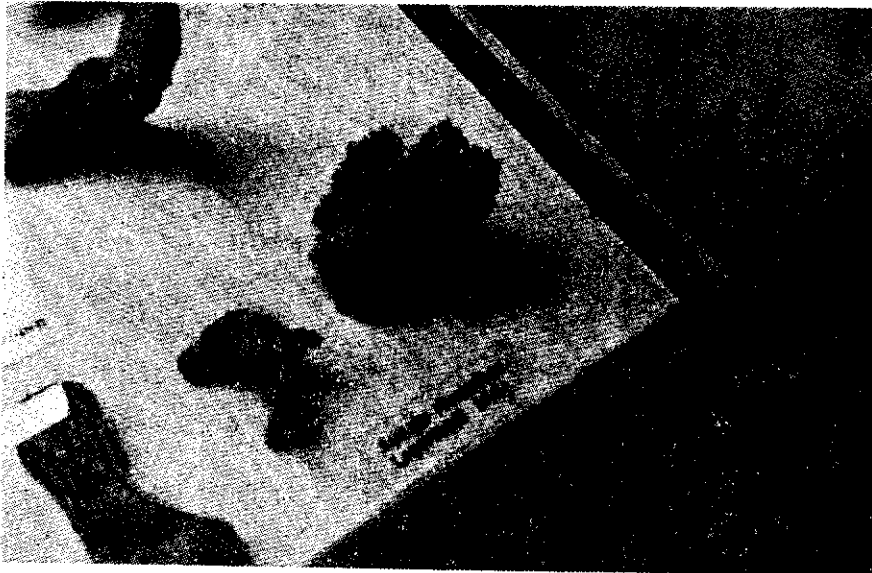


تصویر ۱۱

استوانه های سفالی معجوف
 موزه دژ رومی سالبورگ آلمان

کتابخانه مدرسه فیضیه قم

- ۱۲- مار و ظرفی که مار بطرف آن میرود و منشاء هستی و شهوات آدمیان در عقاید ایلامی - بابلی و ایرانی است .
 ۱۳- میترا و هیئت صحابه او که بادیگر نقوش صحابه میترا در دیگر نقش ها فرق دارند .
 ۱۴- ماری که از درون يك شاخه هفت گل بیرون آمده و به



تصویر ۱۲

برگ درخت مو و مجسمه سر بره میش
موزه دژ رومی سالبورگ آلمان

کتابخانه مدرسه فیضیه قم

میترا نظاره میکند .

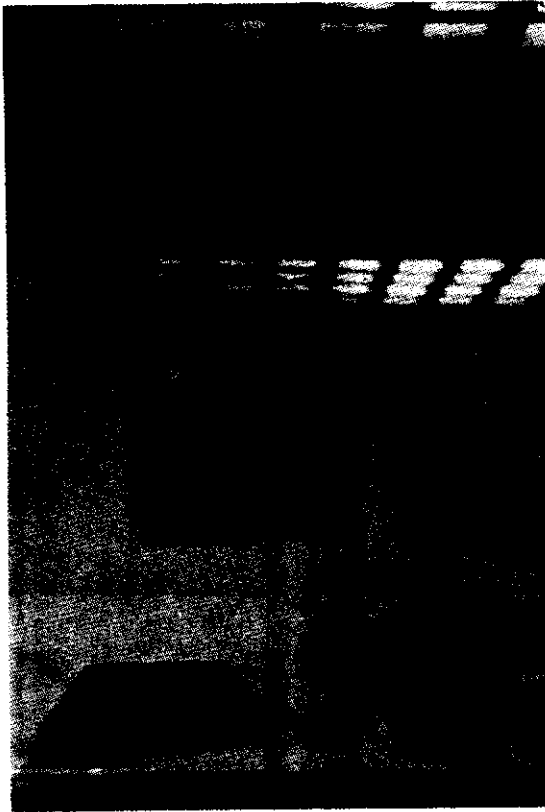
۱۵- میترا که تاجی بر سر مردی برهنه میگذارد .

۱۶- میترا که به هیئت مردی دست زنی را که در برابرش زانو زده است میفشارد .

اکنون به معبد سالبورگ برمیگردیم و از دیگر نقوش سخن میآوریم:

- ۱۲- تعدادی استوانه سفالی مجوف که بر روی سطح آنها یک مربع مستطیل خالی شده و در یکی از قفسه های موزه دژ سالبورگ وجود دارد که از حیاط اطراف معبد آن بدست آمده است. تصویر ۱۱
- ۱۳- یک مجسمه سفالی از گل پخته سرخ رنگ به شکل برگ کاج و یک سر بره میش سفالی نخودی رنگ در قفسه ای از این موزه وجود دارد. تصویر ۱۲.

۱۴- يك سطحه لوحه سفالی با نقش لوزی و مربع مستطیل در قفسه دیگری در همین موزه وجود دارد: تصویر ۱۳



تصویر ۱۳

لوح از گل پخته با نقش + و چهارخانه
موزه دژ رومی سالبورگ آلمان

۱۵- دو پایه سنگی شبیه آتشدان که بر روی آنها نقش و نگاری با خط لاتین نقش شده ولی در هیئت ساخت شبیه سکوها یا همراهها است در این موزه وجود دارد: تصویر ۱۴.

۱۶- در خصوص کبوتر یا بلدرچین که در نقش میترا در يك لوحه دژ سالبورگ نقش شده است پیش از این اشارتی شد. در موزه دژ سالبورگ هم دو مجسمه کبوتر سفالی نخود رنگ در قفسه‌ای



تصویر ۱۴

پایه آتشدان - سنگی

موزه دژرومی سالبورگ آلمان

محفوظ است که از همین محل کشف شده است. (متاسفانه تصویر آن روشن نیفتاده و قابل چاپ نیست).

۱۷- نقش چلیپا در میان لوزی های محیط و نقش مربع در میان لوزیهای محیط و نقش گوزن بر روی آجر پخته و نقش سردر مهربابه ها بر روی سفال و نقش چلیپا در میان دائره و نقش گل لتوس ایرانی و نقش عقاب و نقش خوشه برکنار نقش مهربابه ها و نقش زنی که آتشدانی در دست دارد و نقش مجسمه زنی با کلاه و تاج که برستون قربانگاهی نقش شده است از دیگر نقوشی است که در موزه سالبورگ بر روی اشیاء سفالین و مفرغی و سنگی جلوه گر است .

در خصوص این نقوش چهارخانه - لوزی- چلیپا - برگ کاج-

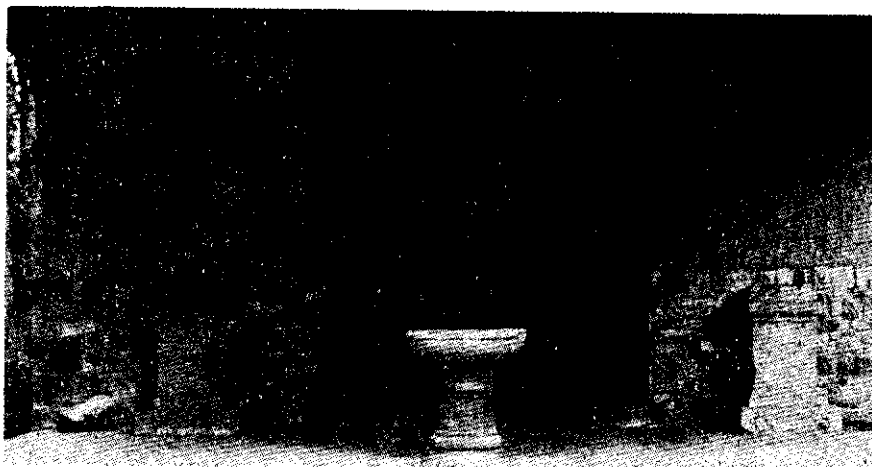


تصویر ۱۵

سردر نمایشی معبد مهری در جلوی دژ رومی سالبورگ آلمان

کبوتر - مجسمه زن تاجدار - و امثال آن و ارتباط این نقوش با «تیروناهید» در دنباله مقال سخن خواهد آمد .

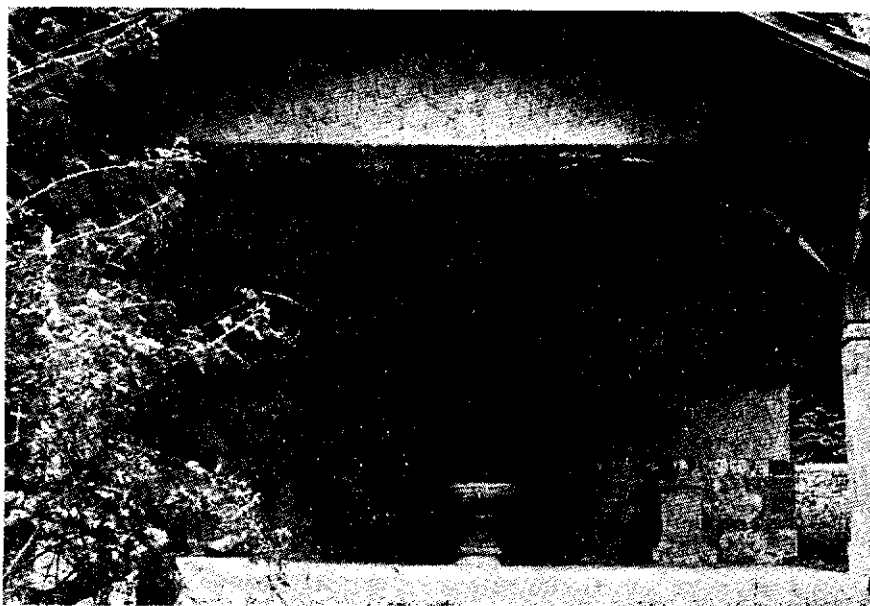
نمایش معبد میترا در بیرون دژ سالبورگ : در زمین وسیع و جنگلی که در جلوی میدان پیش روی ورودی دژ سالبورگ واقع است به تدبیر باستانشناسان آلمانی معبدی در میان درختان به سبک و آئین مهرابه‌های مهری ساخته‌اند که در جلوی آن دو سکوی قربانی و یک سکوی بخوردان قرار داده‌اند و درون آن گود و بر اطراف درون مهرابه صفا‌ای که بصورت نشیمن گاه جلوه میکند ساخته‌اند که از کف مهرابه با پلکان به سطح آن میرسند و در منتهی‌الیه اطاق نقشی از میترا با آب و رنگ نقاشی کرده‌اند که نمونه‌ای از نظائر نقوش میترا کشنده گاو است: تصویرهای ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸.



تصویر ۱۶

پایه آتشدان سنگی

در جلوی سردر معبد مهری نمایشی دژ رومی سالبورگ آلمان



تصویر ۱۷

مدخل معبد نمایشی

جلوی دژ رومی سالبورگ آلمان



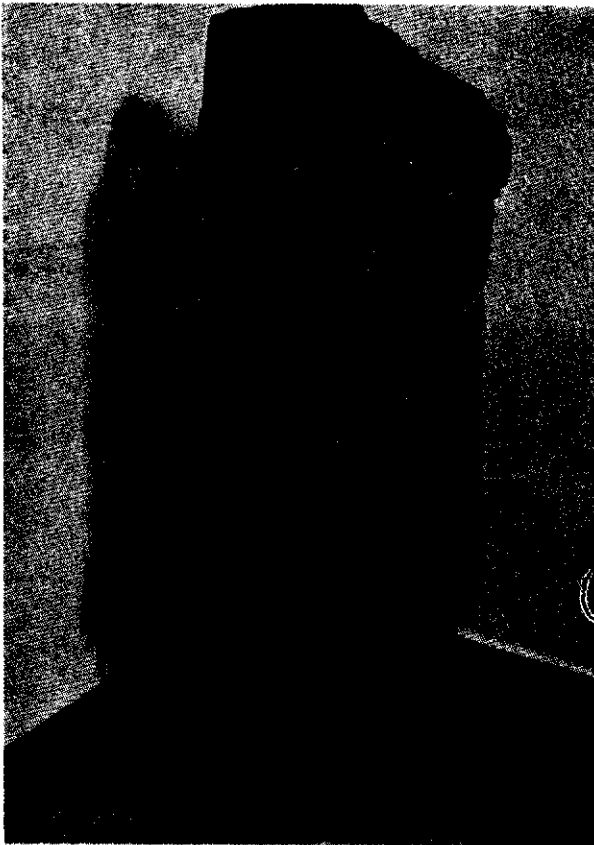
تصویر ۱۸

دیواره‌های دژ رومی و معبد مری سالیورگ آلمان

اشیاء موزه پیش از تاریخ شهر فرانکفورت :

در موزه پیش از تاریخ شهر فرانکفورت اشیائی از دوران رومیان نگهداری میشود. این اشیاء عموماً از دژها و بناهای رومی که در کنار رودخانه «نیدا» که اکنون رودی است که از شهر فرانکفورت میگذرد، ساخته شده بوده‌اند، بدست آمده همچنین بسیاری از این اشیاء از شهر فعلی فرانکفورت در کاوشها و بازسازیها و عملیات ساختمانی پدیدار شده است. قسمت عمده این اشیاء در موزه شهر ویسبادن نگهداری میشود و تعدادی از آنها هم در موزه پیش از تاریخ شهر فرانکفورت در قفسه‌ها محفوظ است و بخش مهمی از آنها در گنجینه‌های زیرزمینی این دو موزه پاسداری میشوند. در میان اشیاء محفوظ در قفسه‌های موزه پیش از تاریخ شهر فرانکفورت

نقشی شکسته از میترا، کشنده گاو است که قطعاتی از آن باقی مانده و کامل نیست بعلاوه پایه های آتشدانهای سنگی و بخوردانها است که از مهرابه ها بدست آمده است. همچنین تعدادی ظروف سفالی که بر روی آنها نقشهای مار و آب و مرغ جلوه گر است. اکنون به تصویری از يك آتشدان سنگی که بصورت ستون شکسته ای باقی مانده و يك كاسه سفالی با نقش آب در کنار يك كاسه سفالی که از املش گیلان



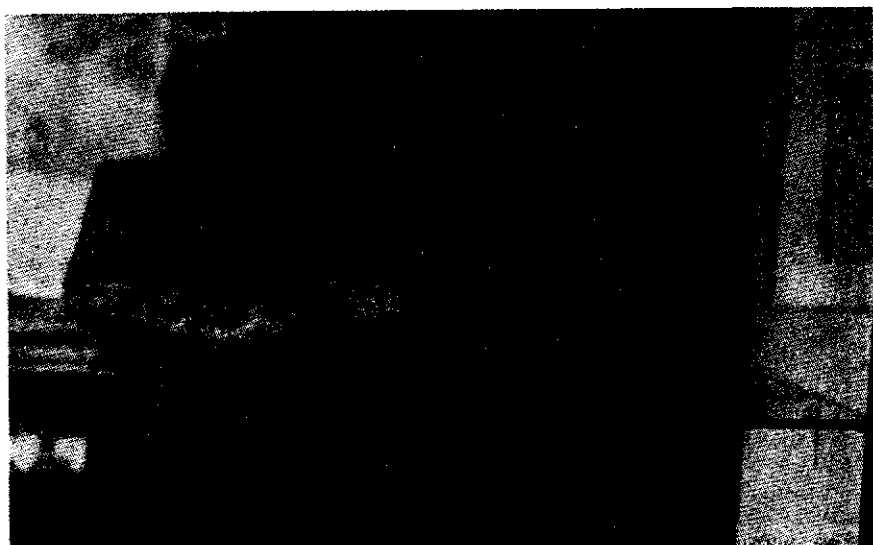
تصویر ۱۹
پایه های سنگی ، موزه پیش
از تاریخ فرانکفورت

بدست آمده و در آن موزه نگهداری میشود و يك كاسه لعابی آبی رنگ با نقش های آب در تصویرهای شماره های ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ توجه میکنیم تا تحلیل این نقوش را بعداً بخوانیم .

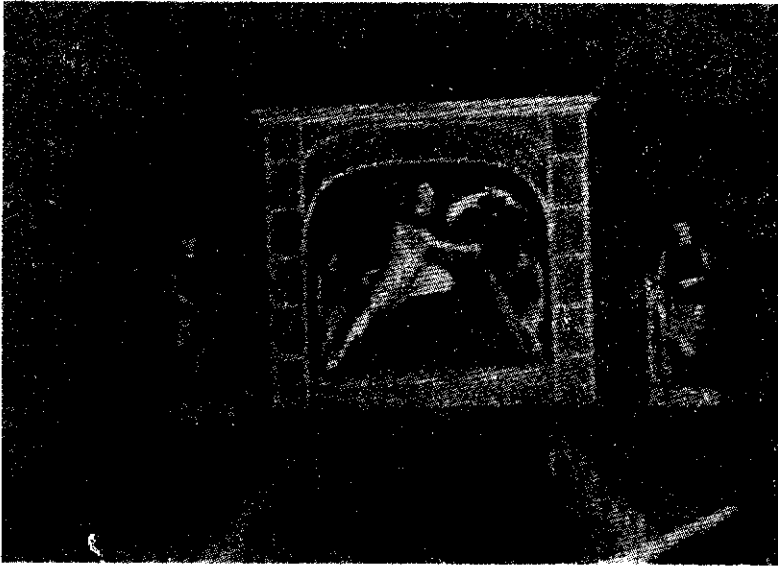


تصویر ۲۰
ظروف لعابی بانقش آب دوگنار ظروف لعابی املش
موزه پیش از تاربخ فرانکفورت

کتابخانه مدرسه فیضیه قم



تصویر ۲۱ الف
ظروف لعابی بانقش آب
موزه پیش از تاربخ فرانکفورت



تصویر ۲۱ ب
مهرابه نمایشی میترا و نقش
لوحة میترا در جلوی دژ رومی
سالمبورگ آلمان

کتابخانه مدرسه غنیمتیه قم

بسیاری از نقوش باز مانده در آثار معابد مهری سالمبورگ فرانکفورت با دو ایزد دنیای قدیم یعنی تیروناهید مرتبط میشوند و این دو ایزد پر جلال و پر آوازه‌ی پیش از «مهر=میترا» مورد پرستش مردمان دنیای باستان از بین‌النهرین و هندوسند گرفته تا نواحی اطراف مدیترانه و مصر و شمال آفریقا و یونان و روم قدیم بوده‌اند و در هر سرزمینی بامناسبتی و نامی و نشانی‌ها و نمادهای خاص خویش پرستش میشده‌اند که آثار این پرستش کهنه در نقوش سفالینه‌های شوش و سیلک (کاشان) و تل‌باکن (فارس) و بسیاری جاهای دیگر در ایران باقی مانده است و بعدها در متون و روایات اسلامی هم بوسیله مورخان و مولفان و کتب نجومی و قصه‌ها و حکایات نقل

گردیده‌اند. بدین جهت شایسته است بطور اختصار ویزبانی ساده و بدون یادآوری مآخذ و منابع متعدد بیان کنیم که این دوایزد یعنی تیروناهید چگونه پرستیده میشدند و در ایران و هند و یونان و روم قدیم چه نشانی‌هایی داشتند تا از روی آن نشانی‌ها و پیوندها، نقوش مورد مطالعه در لوحه میترا مکشوفه در سالبورگ را بازشناسیم :

تیروناهید در عقاید قدیم هندوایرانی: پیشینیان ستاره پرست بودند و شاید بتوان گفت اولین مظاهر طبیعت که در ذهن ناآرام بشر ایجاد ترس و وحشت و اعجاب و شوق و امید و خیال پردازی کرده همین ستارگان آسمان بوده‌اند. در هندو ایران قدیم بنا بر آنچه در «ودا» و «اوستا» و در روایات سینه به سینه و در متنهای منقول از روزگاران کهن بجای مانده است تیر وناهید و بهرام و کیوان و مهر پرستش میشده‌اند. در بابل و سومر مذهب «ماه پرستی» نیز مدت درازی مانند سایر مذاهب پرستش ستارگان رونق داشته و آثار این مذهب در برخی اعلام جغرافیائی دنیای قدیم بابلی و الواح بابلی - سومری بجای مانده است. در سواحل مدیترانه علاوه بر پرستش ایزدان هندو - ایرانی (تیر وناهید و بهرام و کیوان و مهر) مارس یا مریخ نیز پرستیده میشده است. اما در ایران پیش از زرتشتی که میتوان بروزگاران پیش از هخامنشی رسید، نظر به ضرورت زندگی مردمان در کنار رودخانه‌ها و آبها و نظر به ارج و قدری که آب برای آدمیان داشته است ایزدان تیروناهید بسیار برومند و شکوهمند برآمده‌اند و مورد پرستش قرار گرفته‌اند و چون تیر در نظر مردمان باستان خداوند دانش و دبیری و آب آفرینی بوده و ناهید ایزد بانوی چنگ - نواز الهه موسیقی و شعر و باروری و برکت و فراوانی بوده است این دوایزد نروماده گاهی جداگانه و گاهی باهم بصورت پدر و فرزند و یازن و شوهر و گاهی یار یکدیگر و گاهی دشمن هم پرستیده میشده‌اند.

بسیاری از آثار فکری و فلسفی مردمان باستان اقوام ایرانی که بر کناره های رودخانه های بزرگ و کوچک میزیسته اند و در توالی و تداوم تمدن ایرانی پیش از ایلامی و ایلامی و هخامنشی موجب کمال این تمدنهای آغازین ایرانی گشته اند پیرو همین عقاید دینی و اساطیری و فلسفی و نیایشی و فکری بوده اند تا آنجا که از گور آنان در بسیاری از نقاط شناخته شده کشور که کانونهای تمدنهای اقوام ایرانی بوده اند (شوش، سیلک، فارس، کرمان، دیلمان، املش، سگزآباد قزوین، ری، رضائیه و امثال آن) ظروف سفالی فراوانی بدست آمده که همه منقوش و آکنده از نشانه های آب پرستی با نقش آب و رود و چشمه و دریا و آب ساکن و آب رونده و علامات نجومی پرستش ستارگان بخصوص علامات نجومی ستارگان زهره و عطارد یعنی ناهید = آناهیتا و تیر است. پیدا شدن بسیاری از سفالینه های منقوش به علامات نجومی و نقش آب و کشف مقدار زیادی مجسمه های الهه باروری یعنی ناهید، بصورت زنی که پستانهای خود را در دو دست میفشارد تا عصاره حیات و زندگی از آن بر زمین افشاند از گورهای پیشینیان در کنار رودها و تالابها و آبگیرها در همه فلات بزرگ ایران زمین خود گواه شمول و عمومیت پرستش تیر و آناهیتا در بیشتر نقاط کوه و دشت سرزمین ایران میباشد (برای مطالعه مآخذ و مدارک و ملاحظه عکسها و مقایسه نقش و نگارها به پیوست دوم بخش دوم کتاب دیار شهبازان تألیف احمد اقتداری، انجمن آثار ملی شماره ۱۱۱، تهران ۱۳۵۴ رجوع فرمائید). از اتفاق لوحه مکشوفه در معبد مهری سالبورگ و سایر آثار مهری مکشوفه در فرانکفورت هم، عموماً از کنار رودخانه نیدا و از سلسله دژهای نظامی رومی که در حاشیه این رودخانه مستقر بوده اند و یا از

حول و حوش آنها بدست آمده اند . بقایای آثار آئین «ناهیدپرستی» و پرستش تیروناهید و نیایش آب و ایزدان آن نه تنها در «ودا» کتاب قدیمی دینی هندیان و در واژه ها و آئین های اساطیری هندی بزبان سانسکریت و در اوستا با نام «آبان یشت» و «تیریشت» و «تشتیریشت» و امثال آن با ده ها کلمه مانند «اردوی سورناهید» و غیره بجای مانده است ، بلکه تا این اواخر یعنی تا بروزگار ما نیز آب پرستان با نام کلدانیان حرانی ، مغتسله ، صابیان ، صبه در خوزستان و در کنار رودخانه کارون می زیستند و هنوز هم گروهی اندك با آئین های سنتی مرموز و کهنه خود در بعضی نقاط اطراف کارون زندگی میکنند .

در آئین های پرستش «ناهید» و «تیر» و کیشهای آب پرستی دنیای باستان ، درخت کاج و سرو و خانواده آن و گل های نیلوفر ، آبی ، زنبق ، و خانواده گل لوتوس ، مار ، باز ، اسب ، شیر ، و اعداد چهار ، سه و علامت + و نقوش شطرنجی هر کدام نشانه ئی و رمزی از آئین های سنتی اقوام آب پرست دنیای قدیم و پیروان زهره و عطارد یعنی آناهیتا و تیر بشمار میرفته است .

«اردوی سورناهید» نام رودی نیز هست «و در اوستا بصورت رودی جاودانی مشخص شده که از فراز کوه «هگر» بدریای «فراخ کرت» میریزد . از این رود هزارها رود منشعب شده و در کنار هر يك از این رودها کساخی هزار ستون با هزار دریچه درخشان برای ناهید برپاست . در هر کاخ در بالای ایوانی بستری پاکیزه و معطر گسترده است . ناهید زنی است جوان خوش اندام و بلند بالا و برومند و زیبا چهره و آزاده و نیکو سرشت ، بازوان سفید وی به ستبری شانه اسبی است با سینه های برآمده و با کمر بند تنگ در میان بسته ، در بالای گردونه خویش مهار چهار اسب

یک رنگ و یک قد را در دست گرفته و میراند ، اسبهای گردونه وی عبارت است از باد و باران و ژاله و ابر ، ناهید با گوهر های آراسته تاجی زرین بشکل چرخ که بر آن صد گوهر نور پاش نصب است بر سر دارد ، از اطراف آن نوارهای پرچین آویخته طوقی زرین دور گردن و گوشواره های چهار گوشه در گوش دارد ، کفشهای درخشان را در پای خود با بندهای زرین محکم بسته جبه ای از پوست سی ببر که مانند سیم وزر می درخشد در بر نموده و در بلندترین طبقه آسمان آرام دارد بفرمان پروردگار ناهید از فراز آسمان باران و تگرگ و ژاله و برف فرو بارد ، از اثر استغاثه پارسایان و پرهیزکاران از فلك ستارگان یا از بلندترین قله کوه هگر بسوی نشیب میشتابد ، نطفه مردان و مشیمه زنان را پاک کند و زایش زنان را آسان سازد ، شیر را تصفیه نماید ، به گله ورمه بیفزاید . »^۶

«ناهید» فرشته موکل آب و باران است، نطفه مردان و مشیمه زنان را پاک کند و زایش زنان را آسان سازد و فرشته و ایزد اختصاصی زیبایی و انوئت است الهه باروری و برکت و توالد و تناسل است و شاید بهمین سبب است که یونانیان او را «آرتیمیس Artemis» یا آنائیتیس Anaïtis نامیده اند و لقب الهه عصمت و عفت را باو داده اند . مورخین رم و بیزانس نیز او را دیانا Diana ذکر کرده اند ، در بابل این ایزد بانورا «ایستار» و در فینیقیه «استارت» و «عشترت» گفته اند، در سومری «اینانا» و

۶- به نقل محمد ابراهیم باستانی پاریزی «از یشت های شادروان استاد پورداود ص ۱۶۵ و ۱۶۷» منقول در مقاله ابنیه دختر . مجله باستانشناسی ، شماره اول و دوم ، ۱۳۳۸ تهران ، صفحه ۱۲۲ .

«نه نه» و «ننائی» و در یونانی و رومی بیشتر او را «افرودیت» خوانده اند.

در تورات در کتاب استر داستان هدسه دختر یهودی که بدربار اردشیر هخامنشی راه یافت و نام استر یا ایشتر گرفت و جهان بانو شد بتفصیل ذکر شده و علاقه اردشیر به نام استر یا ایشتر را می‌رساند که مبین علاقه او به ناهید است. در قاموس کتاب مقدس ذیل کلمه هدسه می‌خوانیم که هدسه و هدسا و شوشان و شوشن نام گل زنبق است و امروز کلمات سوزی و سوزیان و سوزان که بر نام دختران گذارند مأخوذ از همین نام که بمعنی گل زنبق است بوده و جز ناهید مادر باروری و ایزد بانوی زیبایی و فرشته آب نیست. اردشیر هخامنشی از بنای معبد ناهید بدرخواست اهورامزدا و آناهیتا و مثر (مهر) نام میبرد که معلوم است هر سه ایزد یکسان پرستش میشده اند. در متنها و روایتهای ایرانی وابنیه و آثار و نبشته‌های پیش از اسلام ایرانی و همچنین در متنها و روایتهای و بناها و آثار پس از اسلام باقی مانده در ایران به فراوانی آثار پرستش ستارگان و بخصوص تیرو ناهید یعنی عطارد و زهره را باز می‌یابیم که بر پژوهندگان پوشیده نیست.

اما ایزد تیر یا عطارد در اوستا چنین توصیف شده است :
«... درده شب اولی ای سپنتمان زرتشت، تشرت را یومند فرهمند

ترکیب جسمانی پذیرد بشکل یک پسر پانزده ساله درخشان با چشمهای روشن بلند بالا و بسیار نیرومند و توانا و چست در فروغ پرواز کند، بسن یک چنین مردی که باو نخستین بار کمر بند دهند، بسن یک چنین مردی که نخستین بار قوت گیرد، بسن یک چنین مردی که نخستین بار به بلوغ رسد...» (فقرات ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ یشت ها).

و آبان یشت یا «اردوی سور بانو نیایش» که در آن آناهیتا همچون

ایزد بانوی بزرگ آب و باروری ستوده شده است یشت پنجم اوستا است و «تیشتریشث» یا «تیریشث» که در آن تیر = تیشتر را بمانند ایزد نیرومند آب آفرین نمایانده و ستوده شده است یشت هشتم اوستا میباشد و این دو یشت درازترین و زیباترین بخشهای اوستا هستند و اوستاشناسان این دو یشت را از یشتمهای کهن و یادگار آئینهای پیش از زرتشتی میدانند.

از میان ایزدان گوناگون هندیان باستان و یشنو، اندر = رودر، شیوا، سرسواتی، سینی والی، لکشمی، اپم نبات و دیگرخدایان هندی که بازمین و آب و هوا سروکار دارند سه ایزد سرسواتی، سینی والی، اپم نبات برجسته ترند و اپم نبات با آناهیتا و اندر = رودر با تیر شباهت دارند و اعمال و صفات و حرکات و بخشایشهای آنها نزدیک بهمند، ستاره زهره یا ناهید سرپرست روز ششم یا روز آخرششمین گاه آفرینش در تفکر فلسفی و نجومی پیشینیان بود و این عقیده فلسفی-نجومی را بعد از اسلام هم در کتاب مروج الذهب مسعودی میخوانیم که او از پیشینیان نقل میکند و میگوید: «همه چیز در آغاز از آب آفریده شد. آسمان از آب آفریده شد. زمین از آب پدید آمد. عرش خدا بر آب بود.» و «جمعه از آنروز نام یافت. که خداوند در آن روز خلقت آسمانها و زمین را جمع کرد.» (صفحات ۱۹-۲۰ مروج الذهب مسعودی ترجمه پاینده).

اما تیریاتشتر کهن ایرانی، کهن ترین ایزد ایرانیان باستان همچو سرایزدایزدان آسمان با نامی در همین شباهت و با همین صفتها نزد مردمان و قبائل قدیم شمال اروپا نیز پرستیده میشد. «در میان قبائل شمال اروپا خدارا تیر = Tyr یا Türl که خدای جنگ نیز بود مینامیدند.» (باستانشناسی کتاب مقدس) و این تیر که خدای جنگ و شجاعت نیز بود همانگونه که خدای دانش و دبیری و باران هم بود با

نشانه سه شاخه وصف میشود. خیام در نوروزنامه گفته است: «... نخست کس که تیر و کمان ساخته کیومرث بود، کمان وی بدان روزگار چوبین بود بی استخوان ... و تیروی گلگینی با سه پسر و پیکان استخوان...» در زبان پهلوی (سه پرگ Sepparrag) بمعنی سه شاخه است و صفت تیر ایزد قدیمی است (واژه نامه بندهشن). «در تیر یشت» یا تشریشت ایزد تیر = تشر در سه صورت و سه پیکر و سه تجلی عمده و اساسی (آدم، گاو، اسب) خود خویش را نشان میدهد. شیوا ایزد بزرگ هندیان باستان دارای حربه سه شاخه و سه شقه است و در ادبیات ودائی Tri - Sūla تری سول نام دارد و شیوا را به سه چشم و سه دید تصور مینمودند (اوپانیشاد). علامت نپتون Neptun خدای اساطیری یونان نیز سه شاخه بود و او همانند پوزوئیدن یونانی شمرده میشد چه پوزوئیدن Poseidon خدای دریاها بود و اسلحه و علامت ویژه اش سه شاخه بود. نام نپتون رومی ها که ریشه و اشتقاق آن مبهم و ناشناخته است گویا از لغات بسیار قدیمی رومی بوده است... او خدای آب بود و پیش از اینکه با پوزوئیدن اساطیر یونان تطبیق شود داستانی مخصوص به خود نداشته است. عید نپتون را در روم باستان در شدت گرمای تابستان در ۲۳ ژوئیه برگزار میکردند. پرستشگاه نپتون در کنار نهر بزرگی از آب بود. (تاریخ تمدن ویل دورانت و فرهنگ اساطیر ایران و روم)

ابوریحان بیرونی در آثار الباقیه آورده است که (عطارد) به عربی و (تیر) به فارسی و (هرمس) به رومی و (نفر) در سریانی و (بود) در هندی و (چیری) به خوارزمی و (کیخومو) به عبرانی نام عطارد است. و برای ستاره عطارد که از جسمهای ایزد تیر است در باب (احکام نجوم) او را وصف کرده و آورده است: «... و از مرغان

کبوتر و سار و چرخ و باز و مرغان آبی ... و جوانی بر طاووس
برنشسته و بدست راست ماری گرفته دارد و به چپ لوح، و همی
خواند ...»

در تورات و در کتاب (قاموس کتاب مقدس) درباره «نو» بمعنی
خدای عطارد در مصر قدیم چنین آمده است: «در کتاب ناحوم نبی» آمده:
آیا تواز «نوامون» بهتر هستی که در میان نهرها ساکن بوده آنها او
را احاطه میداشت که دریا حصار او بحرهای دیوار او می بود.»

ابوریحان بیرونی در کتاب «التفهیم» نشانه نجومی ستاره عطارد
را بشکل سر بزnr یا کل باریش یا بصورت شکل دوشاخ استیلزده شده
این حیوان نقش کرده است. مصریان قدیم خداوندی بنام «توت =
تحتوت Thoth» داشتند که صفات هرمس یونانی و مرکوری رومی
و نبو = Nabu ی بابلی و ایلامی داشت و این خداوند همانند ایزد
تیر ایرانی بود. اهمیت عطارد یا تیر در تاریخ دانش و اندیشه
بشری بعنوان ایزد مادر حکمت و علوم بقدری بود که افلاطون موقعی
که تمدن یونان باوج کمال رسیده بود تمام اختراعات بشر را به
«توت = تحتوت» خدای حکمت مصریان نسبت میداد. (تاریخ ملل قدیم
آسیای غربی).

هرمس در اساطیر یونان خداوند پیشگوئی و بازرگانی و راهزنی
بود. مجسمه اش را به شکل ستونی که قسمت بالای آن تنه انسان با
آلت مردانگی بود میساختند و او را در حالیکه بره ای بردوش میکشید
تصویر مینمودند و هرمس سرپرست شبانان هم بود.

ابن الندیم و مسعودی درباره صابیان حرانی که آب پرستان و
پرستندگان تیر و ناهید و پیشینیان صابیان پیرامون رود کارون
بوده اند مینویسند: «صابیان معتقدند روز جمعه هفته از آن ستاره
زهره است که نامش (بلثا) است ... از جمله معبد های صابیان معبد

زهره بشکل سه گوشه در درون چهار گوشه مستطیل بود... در وقت حاضر یعنی به سال سیصد و سی و دو از این معبد های بزرگ فقط يك پرستشگاه در شهر حران به دروازه رقه بجا است که معلیتیا نام دارد (الفهرست ابن الندیم و مروج الذهب مسعودی).

کتابخانه مدرسه سه شاخه نام

اکنون - بامروزی بر لوحه بدست آمده در معبد مهری سالبورگ آلمان به موارد شانزده گانه اختلافی که نقوش این لوحه با سایر نقشهای میترا بازمانده در معابد مهری اروپا دارد توجه میکنیم :

۱- نقش مرغ، کبوتر یا فاخته یا بلدرچین بر شغل میترا یادآور نشانه های پرستش ایزد تیر ایرانی است که در اروپای لاتین پس از نامهای هرمس و مرکوری نام آپولون یافته است و همچنین نشانه پیام آوری و دوستی و نیک سرشتی و آزادی طلبی «آناهیتا» نیز بوده است.

۲ و ۳- نقش سه درخت خوشه مانند یادآور نشانه های پرستش ایزد تیر ایرانی است که علامت آن سهم یا فلش (↑) و حربه سه شاخه و معبد سه گوشه بود. اما هیئت درختان که بصورت خوشه و سنبله است که از درون یکی از آنها میترا طلوع میکند و یا به تعبیری مانند درختی از خانواده کاج و نارون است که از انتهای آن میترا سر بر می آورد، از یکطرف یادآور نشانه های آناهیتا است که با خوشه و سنبله پیوندی فلسفی و نمادی داشته است و نام دیگر سنبله (عذرا) است و در فرهنگ های فارسی (سنبله) و (عذرا) را خوشه و (خوشه سپهر) و (خوشه چرخ) و (غوشه و غوشا) نوشته اند. در زبان پهلوی آنرا (خوشك) مینامیدند. ابوریحان بیرونی در آثار الباقیه نام رومی سنبله را (برثانس) نوشته معادل آن در لاتین و انگلیسی

Virgin = Virgo = Virgins و در فرانسه Vierge است که بمعنی: «دوشیزه-پاک و دست نخورده و بکر» آمده است. شادروان علامه دهخدا در لغت نامه معانی: «بکر- دوشیزه - مروارید ناسفته - نام مادر عیسی- نام برج سنبله که بصورت دختری است که بدست او خوشه گندم است» برای سنبله ضبط کرده است. **کتابخانه مدرسه فیضیه قم**

ابوریحان در کتاب التفهیم (برج خوشه) را «جوان زن» و «دوشیزه ناخواسته» و «دوشیزه باخوشه» یاد کرده که همه اینها صفات ایزد بانوی «اناهیت» است. صفات و سیما و پیکره ای که برای «برج خوشه» یا «سنبله» در کتابهای کهن آمده است خود این پیوستگی را روشن تر میسازد. ابوریحان در «التفهیم» چنین وصف آنرا نموده است: «و ششم صورت منطقة البروج عذرا یا سنبله یا جوان زن همچون کنیزك باد و پرو دامن فرو هشته است. حسن قطان مروزی ستاره شناس باستان در کتاب «کیمهان شناخت» سنبله را چنین نشان داده است: «وی بر صورت زنی است باگیسو فرو گذاشته، سر وی سوی مغرب و پای وی سوی مشرق و دست راست وی سوی شمال و دست چپ سوی جنوب و اندروی بیست و شش ستاره است و بیرون از وی شش ستاره است.» این وصف از سنبله باوصفی که در (آبان یشت) اوستا از ایزدبانوی ناهید یعنی اناهیتا یا زهره شده است مطابقت دارد. وصف سنبله یا خوشه یعنی آن قسمت از درخت که «میترا» در نقش معبد مهری سالبورگ از آن بیرون می آید و قسمت فوقانی شاخ و برگ دودرخت دیگر که بعد از آن واقع شده، از دید ستاره شناسان قدیم و «آبان یشت» چنان است که سنبله یا خوشه را به اعتقاد مردم باستان ناهید پرست نشانه و مظهری از ناهید مینمایاند از اینجهت میترا از درون يك مظهر ناهید ظهور مینماید. اما چنانچه این خوشه یا سنبله را درختی بدانیم از خانواده سرو و کاج و صنوبر باز

هم از مظاهر روشن ناهید است چه درختان تیره سرو و کاج و صنوبر در اساطیر یونان قدیم نشانه سوگواری و اندوه و ازدست دادن یاران بود. و یاد تنهائی و سکون آغاز آفرینش و برآمدن و روئیدن از درون آب تاریک نخست را در اندیشه آدمی زنده میکند. اما سه درخت و تعداد درختان خوشه‌ای یا صنوبری خود نشانه ایزد تیر است که دارای علامت سه شاخه بود.

۵ و ۴- حرکت مار بطرف گاو: این نقش خود نشانه آنست که مار یعنی یکی از مظاهر ایزد تیر که مظهر هوشمندی و نبوغ و درایت او در اساطیر قدیم و حتی در تورات است به حمایت از گاو که خود مظهر دیگری از مظاهر سه گانه ایزد تیر است برخاسته تا نگذارد دشنه میترا که از جانب خدای مهر (خورشید) مامور است که گاو یعنی مظهر خدای زمین را بکشد برگردن گاو فرورود و این خود داستان نبرد ایزدان آسمانی و جوی با ایزدان زمینی و تضاد عناصر اربعه آب و باد و خاک و آتش را با داستانهای دلکش بر مبنای روایات ایرانی بازگو میکند. اما سکون و آرامشی که شیر در این نقش دارد و سنگینی بدن گاو را بر سروپشت خود تحمل میکند بعلت نقشی است که شیر در پاسبانی معابد باستانی مشرق زمین و سرزمین بین النهرین و خوزستان و ایران بعهدہ داشته است. گوئیا شیر خود را نگهبان ظرفی که مایه حیات و هستی در آن نگهداری میشود پنداشته بر آن پاسداری میکند تا مظهر ایزد تیر در آن سر فرو برد و مایه هستی و دانش و هوشیاری را در آن بریزد و گزند از صحنه جنگ میترا و گاو نبیند تا نظام جهان بر استواری بماند.

۶- سگی به طرف دشنه میترا برگردن گاو حمله‌ور است: میدانیم که در ادبیات زرتشتی سگ جایی ندارد. آیا نه اینست که

این سگ خوی اهریمنی است که بدفاع از گاو مظهر ایزدان زمین برخاسته است ؟

۷- شاخه ئی که هفت گل پنج برگ از آن روئیده است : شاخه ئی
 که هفت گل از آن روئیده است منشاء اعتقادات نجومی و گاهشماری در دنیای قدیم را بذهن باز پس میاورد که عدد هفت علامت هفت ستاره روزه است و گل پنج برگ همان گل بنفشه یا زنبق یا لوتوس است که هم مظهر روشن ناهید است و هم بعلامت پنج ستاره اصلی رونده یعنی هفت ستاره بدون ماه و خورشید است و توجه اقوام نیایشگر میترا در معبد مهری سالبورگ را به اینگونه اعتقادات نجومی - فلسفی باز مانده از روزگاران تیر- ناهید پرستی باز مینمایاند.

۸- دم سه شاخه گاو و دم خوشه مانند گاو : گاو در این نقش دارای دمى سه شاخه است. عدد سه و تیر سه شاخه علامت ایزد تیر است و خود گاو مظهری از تیر است اما خوشه ئی بودن دم گاو در نقش دیگری پیوند آشکار ناهید و تیر را میرساند چه خوشه و سنبله خود علامت آشکار اناهیتا یا ناهید بوده است .

۹- نقوش دوازده گانه در يك نیم دایره بر بالای سر نقش میترا:
 یادآور اعتقاد پرستندگان میترا به دوازده برج و نحس آنان و تأثیری که ستارگان و برجها در کیفیت طالع بشر داشته اند و برآن اساس پرستش میشده اند. در این دوازده نقش برج (بز) و (دوپیکر) و (سنبله) و (عقرب) و (سرطان) بروشنی یادآور نمادهای تیر و ناهید هستند .

۱۰- علامت (+) در چرخ ارابه چهار اسب میترا ، از يك سو نشانه تیر است که هیکل نجومی عطارد یعنی جدی یا بز نر شاخدار را از شکل استیلیزه شده دوشاخ و دو پای آن بیاد میاورد و از طرفی

نشانه ناهید یا زهره است که خود به هیئتی چهار سوی بوده و گوشواره چهار گوشه برگوش آویخته دارد و در هیئت فلکی نشانه‌ای از چهار جهت ، چهار فصل و چهار موسم است و نیز خود نشانی از بازی گشاده بال است که خود نگاهدارنده شوکت شهرها و قدرت شهریاران آزاده است و از نشانه‌های صفات آناهیتا است .

۱۱- چهاراسب که ارابه میترا رابکوه فرا میبرند: نشانه چهار فصل و یک دوره‌ی سال است .

۱۲- مار : مظهر رب النوع تیر ، نماینده هستی ، شهوات ، آفرینش ، هوشیاری و خردمندی و از مظاهر ایزد تیر است . هزاران نقش مار در آثار ایلامی از شوش و سایر نقاط خوزستان و فارس بدست آمده و خدایان و نیمه‌خدایان ایلامی و شوشی که در نگاره‌های بر سفالینه‌ها و تابوت‌ها و کوزه‌ها و سنگتراشی‌ها با دستی جام آب حیات و با دستی مار فروخته دارند یا در میان ماران ایستاده‌اند یا پایه تخت و بارگاهشان بر بدن مارها استوار است یا مار رانیایش میکنند در اشیاء موزه لوور پاریس و موزه شوش و موزه تخت جمشید و امثال آن فراوان دیده می‌شود .

۱۳- نقوش صحابه میترا : که در اطراف این لوحه نقش میترا در معبد مهری سالبورگک حجاری شده‌اند تشخیص خدایان نجومی و هیکلهای تصویری ستارگان را بیاد می‌آورد از قبیل ساتورن و ژوپیترا و امثال آن که در مفهوم دیگر شان هیکل همکاران و همگنان و دوستان و دشمنان تیرو ناهیدند .

۱۴- ماری که از درون شاخه‌ئی که هفت گل دارد سر برآورده و به میترا نگاه میکند : با پیوند استواری که میان ناهید و تیر در تصورات پرستندگان آنها در دنیای باستان بوجود آمده آیانظاره

این مار گردن برافراشته و از میان گلها درآمده به میترا کشنده گاو آنها با این ابهت و جلال و سکون و وقار حکایتی از نظاره ناهید که مظهرش سنبله یا خوشه گل هفت شاخه است و تیر که مظهرش مارمتین هوشیار و کنجکاو و هوشمند است (که از میان نشانه ناهید برخاسته و سربرآورده به میترا که به فرمان خدای خورشید قصد کشتن گاو یعنی یکی از مظاهر تیر دارد) نیست ؟ آیا غم ملامت باری برچشمان این مار با وقار دیده نمیشود ؟ و آیا دوگانگی و تضاد عقاید قدیمه تیر - ناهید پرستی با عقیده مهرپرستی نشان داده نشده است ؟

۱۵ و ۱۶ - میترا تاجی بر سر مردی برهنه میگذارد : ناهید خود صاحب تاج و بخشنده تاج است و پشتیبان شهریان و دهنده حلقه شهرداری . این نقش بازمانده تصویری است که از تیر (مرد جوان برومند برهنه) و ناهید (زنی که باو حلقه میدهد) میباشد و زنی که در برابر مردی زانو زده و دست در دست او میفشارد و آن مرد نیز برهنه مینماید و آن زن نیز خود حکایتی از رسالت تیرو ناهید برای ایجاد آبادانی و توالد و تناسل و عشق و عطوفت و مهرورزی و همخوابگی است که باید ناهید ملکه انوشت و زیبائی و مادر آفریدگان گردد و باید در لوح تقدیر ایزد تیرهم روزی به صورت پدر و روزی بصورت شوی و همسر او باشد تا تخمه آدمیان گسترش گیرد . این نقش نیز یادگاری از مظاهر تیر - ناهید پرستی است .

اما اشیاء مکشوفه از هدن هایم یا فرانکفورت قدیم و محفوظ در موزه دژ رومی سالبورگ و موزه پیش از تاریخ شهر فرانکفورت و موزه ویسبادن که همگی آنها از دژها و بناهای رومی بدست آمده اند با توصیفی که از آنها یاد شد بدین توضیحات تعبیر پذیرند:

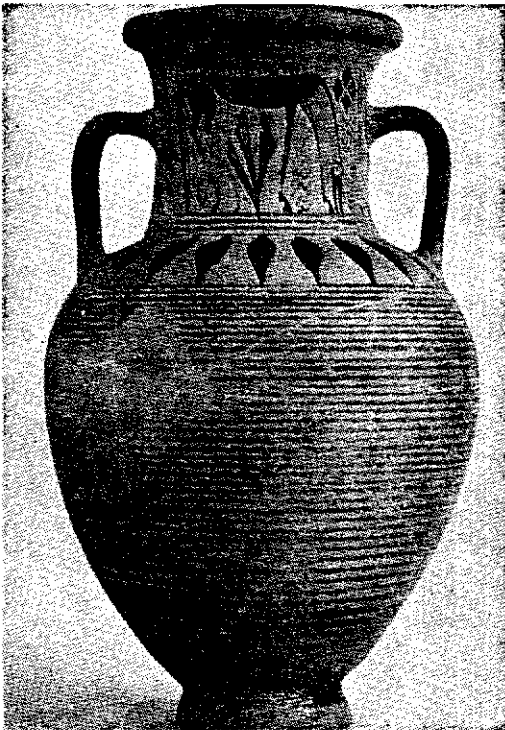
استوانه های سفالی مجوف که بر آنها يك مستطیل درآورده اند و از معبد مهری سالبورگ بدست آمده و در قفسه موزه دژ رومی سالبورگ نگهداری میشوند در عین آنکه از ابزار معبد مهری بوده است در اساس توجهی را به چهار خانه مستطیل شکل که علامت خانه تیر - عطارد و ایزد تیر ایرانی = آپولون داشته است بذهن میرساند. نقوش لوزی و مربع مستطیل محاط در یکدیگر که بر سطحه های سفالی و آجری منقوش یا محكوك است و در قفسه های این موزه نگهداری میشوند، خود نیز مرتبط با مظهر نمایشی ایزد تیر تواند بود. مجسمه کبوتر یا فاخته محفوظ در قفسه این موزه که از سفال نخودی رنگ است مظهری از تیرو ناهید است که در اساطیر ایرانی برای هردو وصف شده اند همانند کلاغ که پیک مهر شناخته شده است و اگر بیاد بیاوریم که در شرح لباس داریوش بزرگ خوانده ایم که بر روی شل زربفت او دو بلدرچین مرصع در طرفین آن کار تکه را انجام میداده اند، بقاء احترام باین دسته از مرغان تا زمان هخامنشیان و تقدس آنها را بیاد آورده ایم. نقوش +و+ در میان مربع و نقش گوزن و نقش مار و نقش عقاب و نقش زنی با کلاه و تاج که برستون قربانگاهی یا معبدی نقش شده است همه و همه یادگارهای نشانه های نمادهای ایزدان تیر و ناهید ایرانی یا همگنان آنان یعنی افروdit و دیانا (در نقش ناهید) و هرمس و آپولون (در نقش ایزد تیر) نزد اقوام کوهساران شمال مدیترانه است.

درموزه پیش از تاریخ شهر فرانکفورت :

ظرفی وجود دارد که بر آن نقش لك لك زیبائی که بادست و پای اسبان و دم چهار پا و گردن و سر و منقار لك است و در میان

موجهای آب منقار بر آب گذاشته و يك شكل مرکب از چهار لوزی که با يك علامت + از هم جدا شده اند در فراز نقش جلوه گر است . بر بدنه ظرف قطرات آب و برگرد گردن آن چهار خط و بر بالای لبه آن نیز چهار خط نقش شده است . در زیر شکم این لك لك گوزن مانند يك درخت سه شاخه از زمین روئیده است . راستی را که وضوح و کمال این نقوش نمیتواند نشان دهند بازمانده مظهر ایزدان تیر و ناهید یعنی پرستش آب و درخت سه شاخه و چهارخانه ها + و چهار خط باشد که برخی مربوط به ایزد تیر و برخی یادگار مظهر «اناهیتا» میباشند؟ تصویر ۲۲.

ظرف دیگری که روی شکل و ظریف در این موزه وجود دارد که سر



تصویر ۲۲ الف

ظرف یا کوزه محفوظ در موزه پیش از
تاریخ فرانکفورت آلمان
با نقش لك لك و آب و غیره

آن بمراتب بزرگتر از پایه قاعده آن است و دسته‌ها بر سر بزرگتر قرار دارند و مانند مخروطی است و بر آن نقش مرغان دریائی که هردو تایی آنها در جهت عکس قرار گرفته‌اند جلب توجه میکند و این خود نشانه نمادی از این یادگارهای کهن پرستش ایزدان قدیمتر از مهر است: تصویر ۲۳.



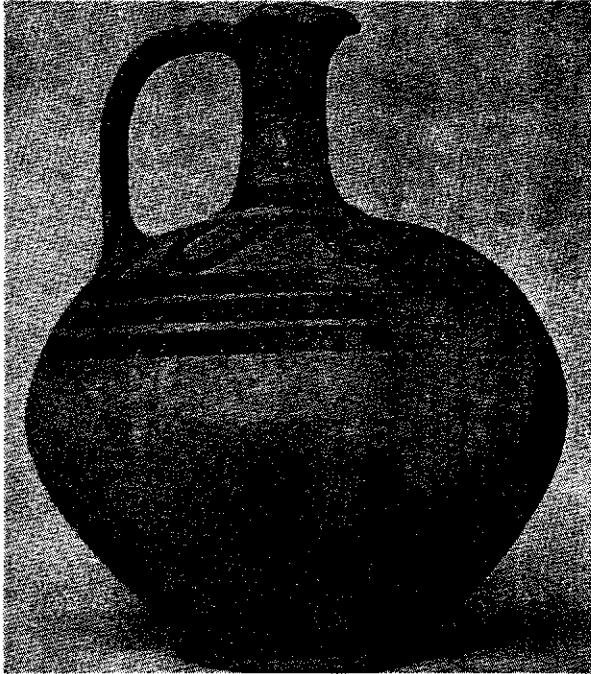
تصویر ۲۲ ب

سر ظرف با نقش لك لك
چهار پا و آب و درخت سه شاخه
محفوظ در موزه پیش از تاریخ
فرانکفورت



تصویر ۲۳
ظرف محفوظ در موزه پیش
از تاریخ فرانکفورت با نقش
مرغ آبی

ظرفی که بر آن نقش ماری بر روی سه‌رديف موج ساکن آب نقش گردیده است جز یادگاری از پرستش ایزدان تیر و ناهید یا همتای رومی - یونانی آنان نیست. تصویر ۲۴.



تصویر ۲۴
ظرف محفوظ در موزه پیش از
تاریخ فرانکفورت آلمان
با نقش مار

ظرفهای دیگری که بر آنها نقش آب رونده و مارو + ولوزی و مثلث بخوبی نمایان است در این موزه کم نیست: به تصویرهای ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ نگاه کنید.

يك ظرف لعابی دسته‌دار بسیار زیبا در این موزه وجود دارد که بر سپری یکی از دو جنگاور رومی نقش مار توفنده ای نمایان است. تصویر ۳۱.

بر روی يك پایه ستون مهرابه‌ای يك مجسمه نهاده اند که شش‌بر دارد و بر فراز آن يك خوشه یا غنچه بشکل درخت کاج یا خوشه یا



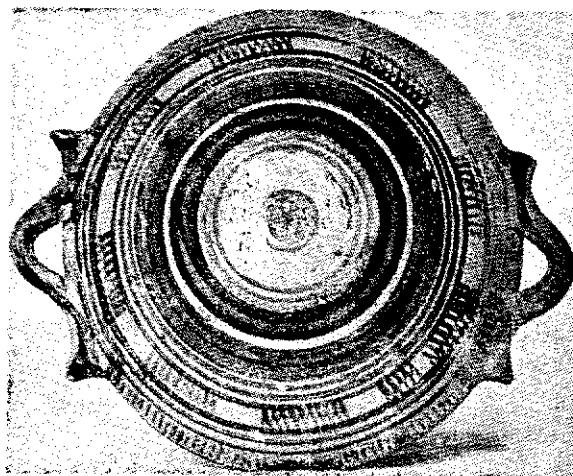
تصویر ۲۵

ظرف محفوظ در موزه پیش از
تاریخ فرانکفورت آلمان
با نقش آب



تصویر ۲۶

ظرف با نقش آب و + و چهارخانه و
شطرنجی و مار و لوزی محفوظ در
موزه پیش از تاریخ فرانکفورت آلمان



تصویر ۲۸
ظرف بانقش آب در موزه
پیش از تاریخ فرانکفورت آلمان

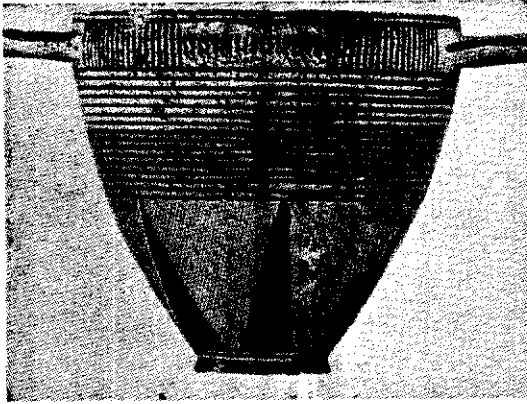


تصویر ۲۷
ظرف بانقش مار و آب محفوظ در موزه
پیش از تاریخ فرانکفورت آلمان



تصویر ۲۹
ظرف بانقش آب و مثلث محفوظ در موزه
پیش از تاریخ فرانکفورت آلمان

گل خوشه‌ای برآمده است و بدنه این مجسمه را با خطوط لوزی زینت



تصویر ۳۰

ظرف بانقش آب و مثلث
محفوظ درموزه پیش از تاریخ
فرانکفورت آلمان

داده‌اند. آیا این خوشه یادآور درخت کاج یا سنبله نیست و یادگاری
از مظهر «اناهیتا» نمیباشد. تصویر ۳۲



تصویر ۳۱

ظرف بانقش مادر سپر جنگاور محفوظ
درموزه پیش از تاریخ فرانکفورت آلمان

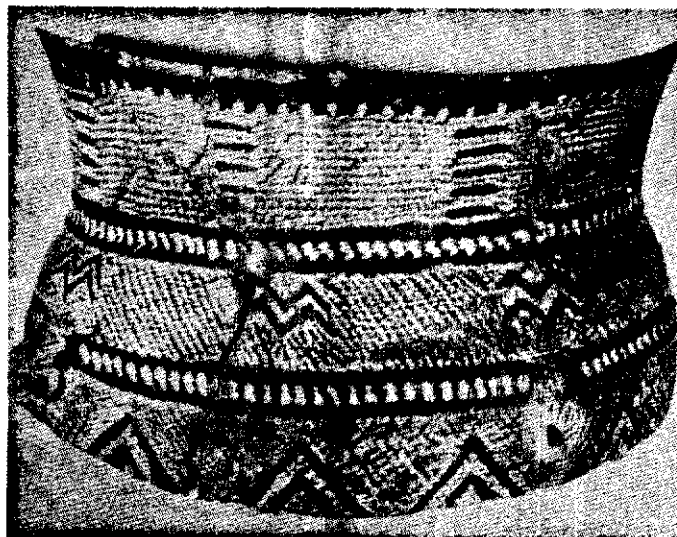
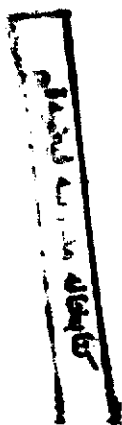


تصویر ۲۲
مجسمه خوشه ودرخت خوشه‌ای
موزه پیش از تازیخ فرانکفورت آلمان

برگرد بدن و دست و پای مجسمه‌هایی که بعنوان مجسمه‌های «زروان» توصیف شده‌اند و در این موزه وجود دارند ماری پیچیده است گذشته از آنکه این مجسمه‌ها خود «زروان» نبوده بلکه نشانه‌ئی از ایزد تیر = آپولون = هرمس یا بهرام میباشند وجود مار بر این مجسمه‌ها یادگاری از نشانه‌های ایزد تیر ایرانی است. تصویر ۳۳.

به دوزخ دیگر لعابی و سفالی که بوضوح آب را بصورت امواج مثلث شکل و خطوط نشان می‌دهند و در این موزه وجود دارد توجه فرمائید تا نشانه‌های «آب پرستی» اقوام قدیمی ساکن این مناطق

تصویر ۳۳
مجسمه بهرام یامیثرا یازروان یا تیر •
موزه پیش از تاریخ فرانکفورت آلمان



تصویر ۲۴
ظرف بانقش آب. موزه پیش
از تاریخ فرانکفورت آلمان

بیشتر روشن شود : تصویرهای ۳۴ و ۳۵ .

تصویر ۳۵

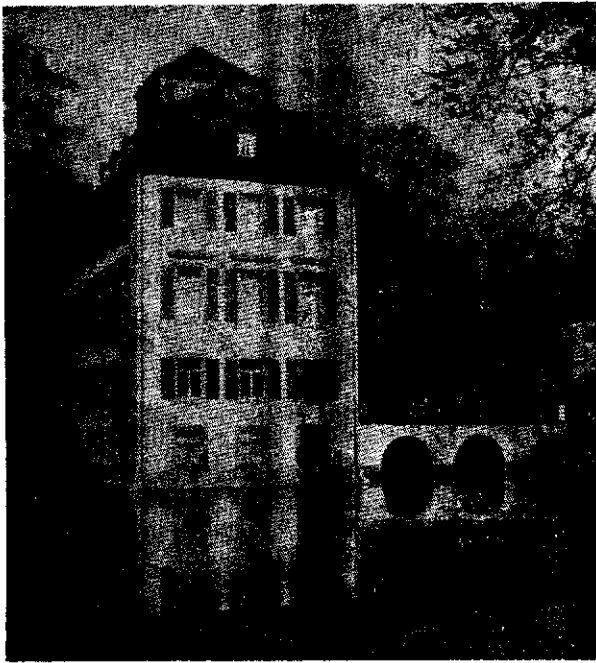
ظرفی با نقش آب - موزه پیش از
تاریخ فرانکفورت آلمان



تصویر ۳۶ نمای موزه پیش از تاریخ شهر فرانکفورت است که
این اشیاء در آنجا نگهداری میشوند .

* * *

مقایسه و مطابقه این نقوش بر این سفالینه‌ها با آنچه در
گورهای باستانی شوش و سیلک و املش و فارس و غیره در سرزمین
ایران و در بین‌النهرین و بحرین و سواحل جنوبی خلیج فارس
بدست آمده است روشن کننده این مطلب است که این نقشهای
آب و مار و گل و سنبله و مثلث و لوزی و چلیپا که در همه پهنه
ایران زمین و بین‌النهرین از درون گورها پیدا شده با آنچه از



تصویر ۳۶
 عمارت موزه پیش از تاریخ
 شهر فرانکفورت آلمان در
 خیابان ژوستینین فرانکفورت

درون معابد و دژهای رومی در این نقطه از جهان بدست آمده است. یادگار آئینها و سنتهای دینی و فکری و نیایشی و اندیشههای فلسفی مردمان باستان بوده است و در حکم اوراد و اذکار و ادعیه‌ای است که بروزگار و دوران ما بر سنگ گور یا بر تابوت و کفن مردگان مینویسند، پس این نقش و نگارها اتفاقی و تفننی نبوده و حکایت از مظهرهای مذهبی و اساطیری و نیایشی اقوام و مردمان آنروزگاران مینماید که بدینوسیله دردم و افسوس نیز ایزدان مورد ستایش خود را نیایش کرده‌اند و بدانها متوسل شده‌اند. ممکن است بسیاری از این مظهرها و سنتهای نگارگری و فلسفی هم از آئینهای پیشین به آئینهای بعدی منتقل شده باشد یا بدون آنکه

مورد اعتقاد فکری و فلسفی هنرمندی باشد آن نقش و نگار سنتی روزگاران گذشته را در مظهرهای تازه و برای سنت‌های آئین نو قلم زده باشد. بهر حال آنچه غیر قابل تردید است همانندی نقش آب و سایر نقشهای سفالینه‌ها در تمامی پهنه‌های دنیای باستان منطقه شمال و جنوب مدیترانه و واسط بین دریای شمال و اقیانوس هند است. و به دلایل فراوان و مدرکهای دال بر پرستش ایزدان تیر و ناهید در سرزمین ایران و هند و تعلق و ارتباط این نقشها با آن ایزدان کهن، تصور آنکه نقوش بازمانده در معبد مهری سالبورگ فرانکفورت هم یادگار و بازمانده همان اندیشه‌های فلسفی و دینی و نیایشی است دور از صواب نیست.

پیوند و اختلاط تیر و ناهید در نزد اروپائیان باستان یعنی اقوام یونانی-رومی بصورت پیوند افرو دیت-آپولون و آفرودیت-آرس یونانی درآمده است که اولی همانند ناهید و دومی همسان تیر است. اما اختلاط صفات تیر و ناهید در اساطیر ایرانی آنچنان قوی است که بسیاری از صفات این دو با یکدیگر تفاوتی ندارند و هرکدام جای دیگری را در سنجش‌های فکری میگیرند، همانگونه است در اساطیر هندی که صفات متشابه خدایان آنها از اندازه بیرون است و در عین حال تضاد خدایان قصه‌هایی دراز دارد.

در تمدن‌های باستانی مشرق زمین بخصوص در تمدن‌های هندو ایرانی حلول تشخیص خدایان و در هم آمیختگی ارباب انواع و سازش و اختلاف در زمان و مکان و صفات و حرکات و قدرت‌های آنان چنان وسیع و مسامحه انگیز است که همه صفات خدایان را

میتوان در وجود همه خدایان نفی و یا اثبات کرد و اگر بگوئیم «میترا» یا «مهر» یا «مثر» نمادی از «آناهیتا» یا ناهید یا زهره بوده و آناهیتا خود در صفات و حرکات و تشابه ایزد «تیر» بوده و نقش آب آفرینی داشته است سخنی به گزاف نگفته‌ایم . با این باور و با این برداشت از اساطیر قدیم هندو ایرانی باید گفت که لوحه نقش میترای کشنده گاو بازیافته از معبد مهری سالبورگ فرانکفورت آلمان حلول تشخص ایزدان بسیار قدیمی ایرانی تیر و ناهید و بهرام را در آئین میترا پرستی متأخر رومی - اروپائی بازگو میکند .